

سوره ششم - انعام

این سوره در مکه نازل شده و ۱۶۵ آیه دارد

به نام خداوند بخشنده مهربان

سپاس بر خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی و روشنائی برقرار ساخت با وجود این آنان که کفر ورزیدند پروردگارشان را با دیگران برابر می‌گیرند! اوست خدائی که شما را از گِل آفرید سپس مهلتی را معین نمود، مهلت و اجلی که نزد او معلوم است با این حال شما در آنها شک می‌کنید! اوست خدا در آسمان و زمین نهان و آشکار شما را می‌داند و از آن چه کسب می‌کنید آگاه است. (۱ - ۳)

هیچ آیه‌ای از آیات الهی بر آنان نیامد مگر آن که از آن روی برگردانیدند و چون حق بر آنان آمد جدا آن را تکذب کردند. به زودی اخبار آن چه استهزا می‌کردند به آنان خواهد رسید مگر نمی‌بینی که چه بسیار امت‌ها را پیش از ایشان هلاک کردیم؟ قرن‌ها بر آنها در زمین تمگنی داده بودیم که بر شما نداده‌ایم. و پی‌درپی برای آنها باران فرستادیم و نهرها زیر پایشان جاری ساختیم. پس چون نافرمانی کردند آنان را هلاک نمودیم و از پی آنها امت دیگری آوردیم. (۴ - ۶)

و اگر برای تو، کتابی نوشته شده در ورقی، می‌فرستادیم که آن را با دست لمس می‌کردند باز آنهایی که کفر ورزیدند می‌گفتند این جز سحر و جادو چیزی نیست! و گفتند چرا بر او (محمد) فرشته‌ای نزل نمی‌شود در حالی که اگر فرشته می‌فرستادیم هر آینه (مثل امت‌های دیگر) کار به پایان می‌رسید و دیگر به آنان مهلت داده نمی‌شد! و اگر (به جای محمد) فرستاده‌خود را فرشته قرار می‌دادیم می‌بایست او را به‌صورت مردی درآوریم و از آن چه آنان می‌پوشیدند بدو بپوشانیم! بی‌گمان پیش از تو نیز پیامبرانی مورد تمسخر قرار گرفتند و پس و وبال آن‌چه بدان استهزاء می‌کردند خود استهزاءکنندگان را فراگرفت. (۷ - ۱۰)

بگو در زمین بگردید و عاقبت دروغ‌زنان و تکذیب‌کنندگان را بنگرید که چگونه است! از آنها بپرس که تمام آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به‌کیست؟ بگو همه آنها از آن خداست که رحمت را بر خود واجب کرده است. همانا در روز قیامت، که بی‌شک خواهد آمد، شما را گرد آورد. آنان‌که خود را (با فریب دنیا) به‌زیان افکنده‌اند ایمان نمی‌آورند! هر چه در شب و روز سکون و آرام یافته از آن او است و او شنوای دانا می‌باشد. (۱۱ - ۱۳)

بگو آیا جز خدا، که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است، دوستی برگزینم؟! اوست که خلیق را روزی می‌دهد بی‌آن که خودش روزی داده شود. بگو به من دستور داده شده است که نخستین مسلمان باشم و از مشرکان نباشم. بگو من از عذاب روز بزرگ می‌ترسم که به پروردگارم نافرمانی کنم! هر کس که در آن روز (عذاب) از او برداشته شود همانا رحمت الهی شامل حالش شده است. و این کامیابی آشکار باشد. (۱۴ - ۱۶)

و اگر از سوی خدا ضرری به تو برسد جز او کسی تو را از آن نراند و اگر از او خیری به تو روی آورد (کسی نتواند آن را برگردد) پس اوست که به همه چیز توانا است. و او در توانائی و قدرت برتر از بندگان خویش است و او فرزانه آگاه است. (۱۷ - ۱۸)

بگو کدام گواهی بزرگتر و مهمتر از گواهی‌خدا است؟ بگو خدا بین من و شما گواه است و این قرآن را بر من وحی می‌کند که شما و هر کس را (که این کتاب) بدو رسد بیم دهم. به راستی آیا شما شهادت می‌دهید که با خدا معبودان دیگری هست؟! بگو من گواهی نمی‌دهم! بگو او تنها خدای یگانه است و من از آن‌چه بدو شریک قرار می‌دهند بیزارم!

کسانی که به آنها کتاب داده‌ایم او را می‌شناسند بدان سان که فرزند خود را می‌شناسند. آنهایی که بر خویشان ستم کردند ایمان نیاورند. (۱۹ - ۲۰)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست و آیات او را تکذیب نمود. هرگز ستمکاران رستگار نگردند! روزی همه آنها را گرد آوریم و به کسانی که به خدا شریک قرار دادند گوئیم کجائید آنان که شما شریک خدا می‌پنداشتید؟ عذر آنها جز این نباشد که گویند سوگند به خدا پروردگاران ما مشرک نبودیم. ببین چگونه بر خودشان دروغ بستند و آن چه به دروغ می‌بافتند همه محو و نابود شد! (۲۱ - ۲۴)

برخی از آنها به تو گوش فرا می‌دهند ولی ما بر دل‌هایشان پرده قرار نهاده‌ایم و گوش‌هایشان سنگین است که فهم آن نتوان کرد و اگر همه آیات را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون پیش تو آیند با تو مجادله کنند. و آنان که کفر ورزیدند گویند این آیات جز افسانه‌های پیشینیان نیست! و این‌ها باینکه هم مردم را از آن باز می‌دارند و هم خود را از آن محروم می‌کنند و غافلند از این که تنها خود را به هلاکت می‌اندازند! و چون در برابر آتش جهنم قرار گیرند آنان را بینی که گویند ای کاش ما را به دنیا باز می‌گردانیدند تا دیگر آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان باشیم. (نه) بلکه آن چه که از پیش بر آنها پوشیده بود آشکار شد و اگر بار دیگر به دنیا برگردانده شوند باز به آن چه از آن نهی شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغ‌گویانند. (۲۵ - ۲۸)

و (کافران) گویند جز زندگی دنیا زندگی دیگری نیست و ما هرگز پس از مردن زنده و برانگیخته نخواهیم شد. و اگر (ای‌محمد) آنها را، زمانی که در پیشگاه پروردگاران باز داشته می‌شوند، به بینی که پروردگاران گوید آیا این برانگیخته شدن و زنده‌گشتن مجدد راست نبود؟ گویند بلی و سوگند به پروردگار ما که راست بود. گویند پس به سبب کفری که ورزیدید عذاب را بچشید! (۲۹ - ۳۰)

کسانی که لقاء و دیدار خدا را تکذیب کردند به یقین زیانکار شدند. و چون روز قیامت ناگهان فرا رسد گویند ای بر ما در آن چه کوتاهی کردیم! آنان بار گناهان خویش را بر دوش کشند آری چه زشت است آن چه بر دوش می‌کشند! زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی چیزی نیست و برای کسانی که پرهیزکاری کنند البته سرای آخرت بهتر و نیکوتر است. آیا عقل و اندیشه به کار نمی‌برید؟ (۳۱ - ۳۲)

ما می‌دانیم که آن چه کافران گویند تو را اندوهگین می‌سازد ولی آن ستمکاران تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه آیات الهی را انکار می‌نمایند! همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و در مقابل تکذیب و آزار ستمکاران صبر و شکیبائی نمودند تا نصرت ما به آنان رسید و کلمات (و مشیت) خدا را کسی نتواند تغییر دهد. و به یقین که اخبار پیامبران پیشین به تو رسیده است.

اگر روی برتافتن آنان بر تو گران آید پس اگر توانی نقی در زمین بساز یا نبردبانی بر آسمان برافراز و آیتی برای آنها بیاور. اگر خدا می‌خواست همه را به صراط مستقیم هدایت گرد می‌آورد (والا همچنان در گمراهی باقی‌مانند). پس زنهار تو از جاهلان مباش. (۳۳ - ۳۵)

بی‌شک آنان که گوش شنوا دارند دعوت تو را اجابت می‌کنند و (این مشرکان) مردگانند خدا اگر خواهد برمی‌انگیزد (و دل‌هایشان زنده کند) سپس به سوی او برگردانده می‌شوند. و گفتند چرا بر او (محمد) معجزه‌ای نازل نشده است؟ بگو خدا قادر است که آیتی بفرستد و لیکن اکثرشان نمی‌دانند. (۳۶ - ۳۷)

هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که، با دو بال خویش در هوا می‌پرد، نیست

مگر آن که مثل شما گروه‌هایی هستند. ما در کتاب آفرینش بیان هیچ چیز را فروگذار نکره‌ایم سرانجام همگی به سوی پروردگارشان برانگیخته می‌شوند. (۳۸)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند کرانند و لال‌هایند در تاریکی‌ها (ی جهالت)! مشیت الهی هر کس را خواهد در ضلالت‌افکند و هر کس را خواهد در صراط مستقیم قرار دهد. (۳۹)

بگو چه ببینید اگر عذاب خدا بر شما واقع شود یا ساعت مرگ شما فرارسد آیا جز خدا کسی را به یاری می‌خوانید اگر راست می‌گویند؟! (نه!) بلکه تنها او را می‌خوانید و اگر مشیت او قرار گیرد آن چه را که از او می‌خواهد برطرف سازد و شما نیز آن چه را شریک قرار می‌دادید فراموش می‌کنید! (۴۰ - ۴۱)

همانا برای امت‌های پیش از تو نیز پیامبرانی فرستادیم و (چون ایمان نیاوردند) آنها را به تنگی مصائب و بلاها گرفتار نمودیم باشد که تضرع کنند! پس چرا هنگامی که سختی و عذاب ما بر آنها رسید تضرع نکردند زیرا دل‌هایشان را قساوت فراگرفت و شیطان آن چه را که می‌کردند بر آنها زیبا نمود! و چون آن چه را بدان پند داده شده بودند فراموش کردند ما درهای همه چیز را بر آنها گشودیم تا بدان چه داده شدند شاد گشتند به ناگاه آنها را به کیفر اعمالشان گرفتار ساختیم که خوار و سرافکنده گردیدند. پس ریشه قومی که ستم می‌کردند بریده شد و سپاس بر خدا که پروردگار جهانیان است. (۴۲ - ۴۵)

بگو چه ببینید اگر خدا بینائی و شنوائی شما بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد! غیر از او کدام خدائی آنها را به شما بازگرداند؟ بنگر چگونه آیات را بیان کرده روشن می‌نمائیم؟ باز آنها روی برمی‌گردانند! بگو چه ببینید اگر عذاب الهی به ناگهان یا آشکارا به شما برسد آیا به جز گروه ستمگران کسی نابود گردد؟! (۴۶ - ۴۷)

ما پیامبرانی را برای آنها فرستادیم که (بر مؤمنان) بشارت دهند و (کافران) را بیم رسانند پس هر کسی ایمان آورد و کار نیکو انجام دهد بر آنان خوف و هراسی نیست و آنها هرگز اندوهگین نشوند. (اما) بر آنان که آیات ما را تکذیب کنند به سبب نافرمانیشان عذاب خواهد رسید. (۴۸ - ۴۹)

بگو من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های الهی پیش من است. و نه آن که من غیب را می‌دانم. و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. جز آن چه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. بگو آیا کور و بینا یکسانند؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟ (۵۰)

کسانی را که از برانگیخته شدن در پیشگاه پروردگارشان ترسانند با آن (قرآن) بیم ده که به جز خدا آنها را یاور و شفاعت‌کننده‌ای نباشد شاید که پرهیزکار شوند. (۵۱)

کسانی که بامدادان و شامگاهان خدای خویش را می‌خوانند از خودت مران. آنها رضای او را می‌جویند^۱. از حساب آنها بر تو چیزی نیست و از حساب تو چیزی بر آنها نباشد. پس اگر آنها را برانی از ستمکاران خواهی بود! و بدین سان برخی از آنان را با بعضی دیگر آزمودیم تا بگویند آیا این‌ها پند که خدا از بین ما بر آنها منت نهاد؟ آیا خدا به حال شکرگزاران داناتر نیست؟ (۵۲ - ۵۳)

(ای رسول) هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان آوردند پیش تو آیند به آنان سلام بگو (و) ۱. مسلمانان اولیه غالباً فقرا و ضعفا بودند. روزی پیامبر با برخی از آنها نشستند بود کسانی از فریش به او گفتند اینها کی هستند که دور خود جمع کرده‌ای. اینها را از خود بران تا ماها بیاییم و این را از راه خدعه و نیرنگ گفتند نه از راه ایمان! این آیات آمد که مبادا آنها را برانی آنها صبح و عصر بر پروردگار خویش سجد می‌کنند و رضای او را می‌طلبند این آزمایشی است بین آنان که می‌گویند چگونه خدا از بین ما به آنها منت نهاد و به اسلام هدایت نمود.

بگو) پروردگارتان رحمت را بر خود واجب گردانیده است که اگر کسی از شما از روی نادانی مرتکب کار بدی شود و پس از آن توبه کند و نیکوکار گردد (از او درمی‌گذرد) همانا که او آمرزگار مهربان است. (۵۴)

و بدین گونه آیات را تفصیل می‌دهیم تا راه گنهکاران پدیدار شود. (۵۵)

بگو من نهی شده‌ام از این که چیزهائی را بپرستم که شما غیر از خدا می‌پرستید! بگو من هوس‌های شما را پیروی نمی‌کنم مبادا گمراه شوم و در زمره هدایت‌یافتگان قرار نگیرم! بگو من از جانب پروردگارم بر دلیل روشنی می‌باشم و شما آن را تکذیب می‌کنید. آن چه شما برای رسیدن به آن عجله دارید نزد من نیست. حکم و دستور خاص خداوند است به حق دستور می‌دهد و بهترین داوران می‌باشد. بگو اگر آن چه که شما برای رسیدن بدان (یعنی عذاب) شتاب می‌کنید پیش من بود بی‌شک کار میان من و شما پایان یافته بود و خدا بر ستمگران دانا است^۱. کلیدهای خزائن غیب نزد اوست و جز او کسی بدان آگاه نیست و نیز آن چه در خشکی و دریا است خدا آنها را می‌داند. و برگی از درختی نیافتد و دانه‌ای در تاریکی‌های زمین نباشد مگر آن که خدا بر آنها علم و آگاهی دارد. و هیچ تر و خشکی نیست جز آن که در کتاب‌مبین است^۲. و او است که شما را در شب می‌میراند و آن چه را که در روز می‌کنید می‌داند سپس شما را برمی‌انگیزد تا اجل و مهلت معین به پایان برسد پس از آن بازگشت شما به سوی او است. آنگاه شما را بدان چه می‌کردید آگاه سازد. (۵۶ - ۶۰)

و او توانائی است برتر از بندگانش. و بر شما نگهبانانی می‌فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما روح او را می‌گیرند و فروگذار نمی‌نمایند! سپس به سوی مولای به حقشان بازگردانده شوید. بدان که حکم و فرمان خاص اوست و او سریعترین حسابگران است. (۶۱ - ۶۲)

بگو کیست که شما را از تاریکی‌های دشت و دریا رهائی دهد؟ شما (در آن موقع) او را به زاری و نهانی می‌خوانید (و گویند) اگر ما را از این حال نجات بدهد از شکرگزاران خواهیم بود! بگو خدا شما را از آن سختی و همه‌اندوه‌ها می‌رهاند (ولی شما باز) بعد از آن شرک می‌آورید! (۶۳ - ۶۴)

بگو او توانا است که از آسمان و زمین بر شما عذابی برانگیزد یا شما را گروه گروه به اختلاف کلمه و پراکندگی درافکند و بعضی از شما را به رنج و عذاب و بعضی دیگر گرفتار سازد. بنگر که چگونه آیات خود را بیان می‌نمائیم باشد که آنها دریابند! و قوم و آیات تو را تکذیب کردند در حالی که آن حق و راست بود. بگو من وکیل و نگهبان شما نیستم! هر خبری را که پیامبران دادند وقت وقوع معینی دارد و به زودی صدق آن را دریابید. (۶۵ - ۶۷)

هنگامی که بینی کسانی به قصد خورده‌گیری در آیات ما سخن می‌گویند از آنها روی برتاب تا در موضوعی غیر از آن سخن بگویند. و اگر شیطان بر تو فراموشی آورد پس بعد از به یاد آوردن با گروه ستمکاران منشین! از حساب و عقوبت آنها برعهده کسانی که پرهیزکاری کنند چیزی نیست ولیکن پندی است باشد که پرهیزکاری کنند. (۶۸ - ۶۹)

کسانی را که دینشان را سرگرمی و بازیچه گرفته‌اند و زندگی دنیا فریبشان داده رها کن. به آنها پند بده تا کسی در گرو اعمال بد خویش گرفتار نگردد (و بداند) او را جز خدا

۱. به نظر مفسران آن چه در این آیات برای رسیدن بدان شتاب عنوان شده عذاب و کیفر اعمال زشت است.
۲. کتاب مبین را به لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند که علم کل عالم در آن درج گشته است. مفسران تفسیر لوح محفوظ را به قرآن خطا می‌دانند.

دوست و شفاعت‌کننده‌ای نیست و اگر (برای رهنی از عذاب) هرگونه فدیهای بدهد از او پذیرفته نشود. آنها به سزای آن چه کرده‌اند به هلاکت برسند و به کیفر کفری که ورزیده‌اند آشامیدنی آنان از آب جوشان باشد و برای آنها عذاب دردناکی خواهد بود!

بگو آیا جز خدا کسی را به یاری بخوانیم که نه می‌تواند سودی به ما برساند و نه قادر است زیانی از ما برطرف سازد؟! و با وجودی که خدا ما را به راه راست هدایت کرده باز عقبگرد کنیم و به پیشینیانمان برگردیم؟ همانند کسی که شیطان‌ها او را در زمین سرگردانش ساخته‌اند! وی (شیطان) را یارانی است که (آدمی) را به سوی خود دعوت نماید و گویند به طرف ما بیا. بگو همانا هدایت خدا است و به ما دستور داده شده که پروردگار عالمیان را فرمانبرداری کنیم (و به مردم بگوئیم) نماز برپا دارید و از خدا بترسید. اوست خدائی که به سوی او برانگیخته خواهید شد. (۷۰ - ۷۲)

اوست خدائی که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و روزی که خطاب کند "باش" پس "می‌شود". سخن او حق است. و آن روز که در صور دمیده شود فرمانروائی خاص اوست. دانای آشکار و نهان است و او فرزانه آگاه می‌باشد. (۷۳)

و هنگامی که ابراهیم به پدرش آزر گفت چرا بت‌ها را به‌خدائی گرفته‌اید؟ همانا تو و طایفه‌ات را در گمراهی آشکار می‌بینم. بدین‌سان ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم ارائه دادیم تا از یقین‌کنندگان باشد! پس چون شب بر او تاریکی افکند ستاره‌ای را دید گفت این پروردگار من است اما چون فروشد گفت من غروب‌کنندگان را دوست ندارم. و چون ماه را دید تابان گفت این پروردگار من است و هنگامی که فرو شد گفت اگر پروردگارم مرا هدایت نکند از گمراهان خواهم بود! پس وقتی خورشید را دید فروزان گفت این پروردگار من است. این بزرگتر است. اما چون فرو شد گفت ای قوم! به راستی من از آن چه به خدا شریک می‌آورید بیزارم! من رو به سوی آن که آسمان‌ها و زمین را آفرید برمی‌گردانم و از مشرکان نمی‌باشم. (۷۴ - ۷۹)

طایفه ابراهیم با او به‌مواجه پرداختند. گفت با من درباره خدا مجادله می‌کنید در حالی که او هدایت کرده است و من از آن چه برای او شریک قرار می‌دهید باکی ندارم مگر آن که پروردگارم بر من چیز (بینمکی) را بخواهد. پروردگار من با علم و دانش خود بر همه چیز احاطه دارد و آیا شما پند نمی‌گیرید؟! چگونه است من از آن چیزی که شما بر خدا شریک قرار می‌دهید بترسم ولی شما از این که به خدا شریک قرار می‌دهید نترسید؟ شریکی که هیچگونه دلیلی درباره آن بر شما فرستاده نشده است. پس اگر شما دانائید (بگوئید) کدامیک از ما دو طرف به‌ایمنی و آرامش خاطر سزاوارترند؟! کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به ستم نیالودند برای آنها ایمنی خاطر است و آنان هدایت یافتگانند. (۸۰ - ۸۲)

و این است حجت ما که به ابراهیم در مقابل قومش عطا کردیم. هر کس را بخواهیم مقامش را بالا می‌بریم. بی‌گمان پروردگارت حکیم و دانا است! ما اسحق و یعقوب را به ابراهیم دادیم و همه را به راه راست هدایت کردیم. و نوح را نیز پیش از آن راه نمودیم و از نسل او داوود، و سلیمان، و ایوب، و موسی، و هارون را هدایت کردیم و این چنین نیکوکاران را پاداش دهیم! و زکریا، و یحیی، و عیسی، و الیاس همگی از نیکوکاران بودند! و اسماعیل، و الیسع، و یونس، و لوط، جملگی را بر جهانیان برتری دادیم! و برخی از پدران، فرزندان و برادرانشان را (برتری بخشیدیم) و آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایشتان کردیم. این است هدایت الهی! هر که را از بندگانش بخواهد بدان راه نماید و اگر شرک ورزند اعمالشان تباه می‌شود. (۸۳ - ۸۸)

آنها کسانیند که کتاب و حکمت و نبوت به آنان دادیم. پس اگر کفر ورزند در این صورت گروه دیگری را بر آنان نگاهبان می‌سازیم که هرگز بدان کفر نورزند! آنها کسانیند که خدا هدایتشان کرده است تو نیز از راه آنان پیروی کن. بگو من از شما هیچ پاداشی بر آن (رسالت) نخواهم جز این که جهانیان به یاد خدا متذکر شوند. (۸۹ - ۹۰)

کسانی گفتند خدا برای هیچ بشری کتابی نفرستاده خدا را چنان که شایسته شناختن او است نشناختند! بگو چه کسی کتابی را موسی با آن نور و هدایت برای مردم آورد فرو فرستاده است؟ شما آن را به صورت نوشته‌هائی درآورید بعضی از آن را آشکار و بیشتر آن را پنهان داشتید و چیزی را که شما و پدرانتان نمی‌دانستید بدان فرا گرفتید، بگو خدا است. و بگذارشان به بازیچه خود فرو روند. (۹۱)

و این (قرآن) کتابی است که با برکت بسیار نازل کردیم. تصدیق‌کننده کتاب‌هائی است که پیش از آن فرو فرستاده شده است تا با آن مردم ام‌القری (یعنی مکه) و اطراف آن را بیم دهی. همانا کسانی که به آخرت ایمان آورند بدان نیز ایمان آورند و آنها بر نماز خویش مراقبت‌کنندگانند. (۹۲)

کیست ستمکارتر از آن کس که به دروغ بر خدا افترا بزند؟! یا آن که بگوید بر من وحی می‌شود در حالی که چیزی بدو وحی نمی‌شود. و بگوید من هم به زودی مانند آن چه خدا فرستاده نازل می‌کنم! و اگر تو (ای محمد) ستمکاران را هرگاه در سختی‌های جان‌کنند ببینی که فرشتگان دست‌های خود را برای قبض روح آنها گشوده‌اند (و می‌گویند) جان‌های خود را به در کنید! چون به خدا سخن ناحق گفتید و در مقابل آیات او سرکشی نمودید امروز به عذاب خوارکننده‌ای کيفر شوید (در آن صورت به میزان تیرمروزی آنها پی می‌بری)! (۹۳) و به یقین شما تنها (برای حساب) پیش ما باز آئید همچنان که نخستین بار شما را آفریدیم. در حالی که آن چه به شما داده بودیم (از جاه و مال) پشت‌سرتان باز گشتید. و با شما نمی‌بینیم شفیعی را که می‌پنداشتید در میان شما شریکان ما هستند. بی‌گمان میان شما جدائی افتاده و آن چه خیال می‌کردید از شما کم گشته است. (۹۴)

خداست که دانه و هسته را بشکافد، از مرده زنده برانگیزد و از زنده مرده برآورد. چنین است خدای شما پس چرا دروغ می‌گوئید؟! شکافنده سپیده‌دم است. شب را برای آرامش قرار داده و ماه را برای حساب. این است تقدیر خدای مقتدر دانا. اوست خدائی که ستارگان را برای شما وسیله قرار داد تا در تاریکی‌های دشت و دریا، بدان هدایت شوید. همانا ما آیات را برای اهل فهم و دانش به تفصیل بیان کردیم! و اوست خدائی که شما را از نفس واحدی آفرید پس قرارگاهی (در صلب پدر) و امانتگاهی (در رحم مادر) قرار داد. همانا ما آیات را برای صاحبان فهم و خرد به تفصیل بیان کردیم! و اوست خدائی که از آسمان آب فروبارد. پس با آن هرگونه نبات برویانیم و از آن سبزی پدید آوریم و دانه‌های خوشه‌ای بیرون کنیم و از شاخه‌های نخل خوشه‌های به هم پیوسته و بوستان‌های انگور و زیتون و انار، که برخی مشابه همد و برخی غیرمتشابه، خلق نمائیم! وقتی آنها به ثمر می‌نشینند و میوه‌ها می‌رسند بنگر. به راستی در آنها برای اهل ایمان نشانه‌هائی است. (۹۵ - ۹۶)

برای خدا شرکائی از جن قرار دادند حال آن که خدا آنها را آفریده است. و بدون علم و آگاهی برای او پسران و دخترانی تراشیدند ولی او پاک و برتر از آن چیزهائی است که آنها وصف می‌کنند. پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین چگونه برای او فرزندی تواند باشد در حالی که او را همسری نیست؟! او خالق همه اشیاء عالم است و به همه امور دانا می‌باشد. (۱۰۰ - ۱۰۱)

این است خدا پروردگارتان، جز او معبودی نیست. آفریننده همه چیز او است پس او را بپرستید که او نگاهبان همه موجودات عالم است! هیچ چشمی او را نبیند ولی او همه را درمی‌یابد و او مهربان و آگاه است. به یقین از جانب پروردگارتان بصیرت‌هایی (با کتب آسمانی) برای شما آمد. پس هر کس بصیرت یابد به سود خود اوست و هر کس نابینا گردد به زیان خود وی می‌باشد و من محافظ شما (از عذاب) نیستم. (۱۰۲ - ۱۰۴)

ما آیات را گونه به گونه بیان می‌کنیم تا نگوئی تو آنها را از راه درس گرفتن آموخته‌ای. و ما آیات را برای آنهایی که اهل دانشند بیان می‌کنیم. آن چه از جانب خدا بر تو وحی می‌شود از آن پیروی کن. جز او معبودی نیست. و از مشرکان روی برتاب. خدا اگر می‌خواست آنها را از شرک بازمی‌داشت تو را بر آنان نگاهبان قرار نداده‌ایم و تو بر آنان وکیل و کارساز نیستی. (۱۰۵ - ۱۰۷)

به کسانی که غیر از خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها هم به نادانی و عداوت خدا را ناسزا گویند. بدین سان عمل هر قومی را در نظر آنها بیاراستیم سپس بازگشتشان به سوی پروردگارشان باشد و او آنان را به آن چه کرده‌اند باخبرگرداند. (۱۰۸)

با سوگندهای سخت و محکم سوگند خوردند که اگر معجزه‌ای بر آنها آید حتماً بدان ایمان آورند. بگو آیات و معجزات نزد خداست و چه دانید که وقتی آن آیات و معجزات هم آیند آنها ایمان نیاورند! از آنجا که اول بار هم ایمان نیاوردند دل‌ها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم و آنها را رها می‌کنیم که در سرکشی خود حیران بمانند! و اگر بر آنان فرشتگانی می‌فرستادیم یا مردگان با آنها سخن می‌گفتند و همه چیز را در پیش آنان گردمی‌آوردیم باز ایمان نمی‌آوردند مگر به مشیت الهی ولیکن بیشتر آنها نمی‌دانند. (۱۰۹ - ۱۱۱)

بدین سان بر هر پیامبری از شیطان‌های انس و جن دشمنی قرار دادیم. بعضی از آنها به بعضی دیگر، برای فریب دادن مؤمنان گفتار دلنشین گویند و اگر خدا می‌خواست آنچنان نمی‌کردند. پس آنها را با دروغ و افترایشان واگذار تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند به آنها گرایش یابد و عاقبت بدی را که آنها کسب کرده‌اند (اینان نیز) کسب نمایند. (۱۱۲ - ۱۱۳)

آیا غیر از خدا حاکم و داور بجویم در حالی که او بر شما کتاب مفصلی فرستاده است. و آنان که بر آنها کتاب فرستاده‌ایم می‌دانند که این کتاب (قرآن) به حق از جانب پروردگار تو فرستاده شده است پس از شک‌کنندگان مباش. کلام پروردگار تو در راستی و دادگری به اتمام رسید. کسی در کلمات آن تغییر و تبدیل نتواند داد و او شنوای دانا است. و اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه سازند. آنها جز از ظن و گمان از چیزی تبعیت ننمایند و جز دروغ و اندیشه‌های باطل چیزی در دست ندارند! همانا پروردگارت به حال کسی که از راهش گم شود داناتر است و نیز به حال کسانی که هدایت یافته‌اند! (۱۱۴ - ۱۱۷)

اگر ایمان دارید از آن چیزها که نام خدا بر آنها برده شده بخورید^۱. بر شما چه شده که از آن چه نام خدا بر آن برده شده نمی‌خورید؟! در صورتی که آن چه را بر شما حرام کرده به تفصیل بیان داشته است. مگر چیزهایی که از (خوردن) آنها لاعلاج باشید^۲. و همانا بسیاری از مردم به نادانی به هوای نفسشان گمراه می‌شوند و به راستی که خدا بر تجاوزکنندگان داناتر است! هر گناه و کار زشت را در ظاهر و باطن ترک کنید. کسانی که

۱. مشرکان چهارپایان را به نام بت‌ها ذبح می‌کردند اینک قرآن خوردن آنها را بر مسلمین حرام می‌نماید.
۲. در این مورد به آیه ۳ سوره ۵ مانده توجه فرمائید.

مرتکب گناه شوند بی‌شک بزودی به‌کیفر آن خواهند رسید. و از آن چه نام خدا بر آن برده نشده مخورید که تپاهکاری است و بدانید که شیاطین به‌دوستان خود وسوسه می‌کنند تا با شما مجادله نمایند و اگر شما از آنها پیروی کنید مانند آنها مشرک خواهید شد! (۱۱۸ - ۱۲۱)

آیا کسی که مرده بود و زنده‌اش کردیم و به او نور هدایت و دانش دادیم که با آن در بین مردم به (سرافرازی) راه برود مانند کسی است که در تاریکی‌ها باشد و از آن بیرون شدن نتواند؟! آری کردار بد کافران چنین در نظرشان جلوه گر شده است.^۱ و در هر قریه‌ای چنین نهادیم که بزرگترین گناهکارانشان در آن مکر نمایند ولی آنها جز خودشان مکر نکنند و آن را در نمی‌یابند! و چون آیتی بر آنها آید گویند ایمان نیاوریم تا همانند آن چه بر پیامبران خدا داده شده به ما هم داده شود! خدا بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد. کسانی که گناه کردند به زودی خود آنها را زبون گرداند و به سبب مکاری که می‌اندیشند عذاب سختی بر آنان باشد!^۲ هر کس را که خواهد به راه راست رهبری شود سینه او را به اسلام بازگشاید. هر کس را که خواهد گمراه گردد سینه او را سخت تنگ سازد، که گویی در آسمان بالا می‌رود. خدا اینچنین پلیدی را برای کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد! و این است راه پروردگار تو که راه راست است، ما آیات را بر گروهی که پند پذیرند به تفصیل بیان کرده‌ایم. برای آنان نزد پروردگارشان جای آسایش و سرای سلامت است و او به سبب کارهایی که انجام می‌دهند یار و دوستدار آنها می‌باشد. (۱۲۲ - ۱۲۷)

و روزی که خدا همه آنها را برانگیزد فرماید ای گروه جنّ شما از آدمیان جمع بیشتری را گمراه کردید! دوستان آنها از آدمیان گویند پروردگارا برخی از ما از بعضی دیگر بهره گرفتیم و به مهلتی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم. فرماید جایگاه شما آتش است. برای همیشه در آن ماندگارید مگر آن که خدا بخواهد (که نجات یابید) بر راستی که پروردگار تو فرزانۀ دانا است. و این چنین بعضی از ستمگران را به سبب آن چه کسب می‌کردند بر بعضی دیگر برگماریم. (۱۲۸ - ۱۲۹)

ای گروه جنّ و انس! مگر برای هدایت شما فرستادگانی از خود شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روزتان بترسانند؟! گویند ما بر (بدی‌های) خویش شهادت می‌دهیم! (اری) حیات دنیا آنها را بفریفت و مغلوب ساخت و علیه خود شهادت دادند که کافر بودند! این (فرستادن پیامبران) برای آن است که پروردگارت مردم غافل آبادی‌ها و شهرها را به ستم هلاک نسازد! بر هر کس به تناسب اعمالش مقام و رتبتی است و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. (۱۳۰ - ۱۳۲)

پروردگار تو بی‌نیاز و مهربان است. اگر بخواهد همه شما را از روی زمین می‌برد و هر که را بخواهد جانشین شما گرداند آن چنان که شما را از نسل قوم دیگر آفرید! همانا وعده‌هایی که به شما داده شده خواهد آمد و شما نمی‌توانید بر قدرت خدا غالب آئید. بگو ای قوم! هر چه می‌خواهید با تمام توان بکنید. همانا من نیز عمل می‌کنم. به زودی می‌دانید که سرای عاقبت از آن کیست! به راستی که ستمکاران رستگار نشوند. (۱۳۳ - ۱۳۵)

(مشرکان) از حاصل کشت و زرع چهارپایان، که خدا آنها را آفریده، سهمی برای خدا قرار دادند و به گمان خویشتن گفتند این سهم خدا و این دیگر سهم شرکای ما (یعنی بت‌ها)

۱. نوشته‌اند که در این آیه اشاره به حمزه عموی پیامبر است که با نور ایمانی که یافت زنده و سرافراز گردید ولی ابوجهل که در تاریکی کفر ماند ره به جانی نبرد.

۲. ولید بن مغیره می‌گفت چون ثروت من از محمد بیشتر است من به پیامبری اولاترم. ابوجهل می‌گفت از محمد پیروی نکنم مگر آن چه هر چه بدو وحی می‌شود به من هم وحی گردد.

است^۱. پس آن چه شهم شرکا است به خدا نرسد ولی آن چه سهم خدا است به شرکای آنها می‌رسد. بد است آن چه حکم می‌کنند. (۱۳۶)

و بدینسان شرکای مشرکین کشتن فرزندان را در نظر آنها بی‌آراستند تا آنها را هلاک گردانند و دینشان را بر آنها پوشیده دارند! و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنها را به آن چه دروغ و افترا می‌یافتند واگذار! (۱۳۷)

و گفتند این چهارپایان و کشتزارها (مخصوص بت‌ها) و بر همه حرام است و به خیال خودشان کسی، جز آنان که ما بخواهیم نباید آن را بخورد. و چهارپایی که سوار شدن بر پشت آنها را حرام می‌کردند (و آنها را متعلق به بت‌ها می‌دانستند) و چهارپایی که نام خدا را بر آنها نبرده ذبح می‌نمودند. این‌ها افتراهایی بود که بر خدا می‌بستند به زودی خدا کیفر آن چه را که به دروغ می‌بستند به آنان خواهد داد.

و گفتند آن چه که در شکم این چهارپایان است خاص مردان ما است و بر زنان حرام می‌باشد ولی اگر مرده باشد زنان هم با مردان شریک می‌شوند. زود باشد که به کیفر این وصف‌کردن‌های باطل برسند همانا او فرزانه دانا است. (۱۳۸ - ۱۳۹)

البته آنهایی که فرزندان خود را به نابرداری و سفاقت کشتند زاینکار شدند و با دروغ بستن به خدا آن چه را که خدا روزیشان داده بود، حرام کردند به یقین گمراه شدند و هدایت نیافتند! (۱۴۰)

او خدائی است که برای شما بوستان‌هایی با درختان داریست‌دار و بی‌داریست به وجود آورد، و نخل‌ها و مزارع، با طعام‌های گوناگون، و زیتون و انار، مشابه و غیرمشابه ایجاد کرد. وقتی آنها حاصل می‌دهند از میوه‌های آنها بخورید و هنگام برداشت محصول زکات فقیران را بدهید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد! و از چهارپایان برخی بار می‌کشند و برخی بار برندارند. از آن چه خدا روزیتان کرده بخورید و وسوسه‌های شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است! (۱۴۱ - ۱۴۲)

هشت جفت (از چهارپایی که بیان می‌شود حلال است) از تیره گوسفند هر دو جنس (نر و ماده) و از تیره بز (نر و ماده) برای مردم (حلال است) بگو این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم مادرها است کدامیک (به حکم خدا) حرام شده است؟ اگر راست می‌گویند مدرک قطعی به من ارائه کنید! و نیز از جنس شتر دو تا (نر و ماده) و از جنس گاو دو تا (نر و ماده). بگو آیا دو نر را حرام کرد یا دو ماده را؟ یا آن چه رحم‌های دو ماده دربر دارد؟ آیا هنگامی که خدا شما را بدین امر توصیه کرد حاضر بودید؟! پس کیست ستمکارتر از آن کس که به دروغ بر خدا افترا بزند تا مردم را به جهل و بی‌دانشی گمراه سازد^۲. به راستی که خدا گروه ستمکاران را هدایت ننماید. (۱۴۳ - ۱۴۴)

بگو در آن چه که به من وحی شده چیزی که برای طعام‌خورندگان حرام باشد نمی‌یابم جز مرده حیوان، یا خون ریخته شده، یا گوشت خوک که پلید است. یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا و از روی فسق و تباهی ذبح شده باشد. با این حال اگر کسی از خوردن آنها ناچار شود در صورتی که قصدش تجاوز از دستور الهی نباشد، و نیز بیش از حد ضرورت نخورد در این صورت پروردگار تو آمرزگار مهربان است! هر جانور ناخن‌دار را بر

۱. آنها از کشتزاران و حیوانات خود سهمی برای خدای آسمان و سهمی برای بت‌ها منظور می‌کردند. اگر از سهم خدا چیزی بر سهم آنها می‌افتاد می‌گفتند عیب ندارد خدای آسمان بی‌نیاز است ولی اگر برعکس می‌شد آنها برداشته جزو سهم بت‌ها می‌گذاشتند که آنها نیازمندند. سهم بت‌ها به سنده یا خدام آنها می‌رسید.

۲. اعراب می‌گفتند سانبه و بحیره و غیر آنها را حرام کرده است ولیکن قرآن آنها را افترا به خدا می‌داند.

یهودیان حرام کردیم و از گاو و گوسفند پیه آنها را. مگر چربی‌ای که در پشت یا روده‌های آنها است یا آمیخته به استخوان می‌باشد. این سزای ستمکاری آنها است که دادیم و ما البته راست گویانیم. (۱۴۵ - ۱۴۶)

اگر تو را تکذیب کردند بگو پروردگارتان صاحب رحمت بی‌منتها است و (در عین حال) غذایش از گروه ستمکاران بازگردانده نشود! کسانی که به خدا شریک قرار دادند خواهند گفت اگر خدا می‌خواست ما و پدرانمان مشرک نمی‌شدیم. و چیزی را حرام نمی‌کردیم! پیش از آنها هم کسانی (آیات و انبیا را) این چنین تکذیب کردند تا خشم ما را چشیدند! بگو آیا نزد شما دانشی هست آن را بر ملا کنید! شما جز ظنّ و گمان چیزی را پیروی نمی‌کنید و جز دروغ‌گویان نیستید! بگو حجت بالغه از آن خدا است. پس اگر می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد. (۱۴۷ - ۱۴۹)

بگو گواهان خود را که می‌گویند خدا این را حرام کرده است بیارید و اگر آنها چنین شهادتی بدهند تو با آنها گواهی مده و هوس‌های کسانی را که آیات ما را تکذیب کنند و به قیامت ایمان نیاورند و به پروردگارشان همتا قرار دهند، پیروی مکن! بگو بیائید آن چه را خدا حرام کرده برایتان بخوانم، این‌که چیزی را بدو شریک قرار ندهید. به پدر و مادر نیکی کنید. از تنگدستی فرزندان خود را نکشید. این مائیم که شما و آنها را روزی می‌دهیم. به کارهای زشت، آن چه پیدا و نهان باشد، نزدیکی نکنید. و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق مکشید. این است آن چه خدا شما را به آن توصیه می‌نماید باشد که ببینید! و به مال یتیمان نزدیک نشوید مگر به وجهی که نیکوتر باشد تا این که به سن رشد و بلوغ برسد. و تراز و پیمان را به عدل و انصاف تمام بدهید. ما بر کسی جز به قدر توانایش تکلیف معین نمی‌کنیم. و چون سخن بگوئید به عدل و داد بگوئید اگر چه در باره خویشاوندان باشد. به پیمان‌های خدا وفا کنید. خدا شما را به این‌ها سفارش می‌نماید باشد که متذکر شوید! و (بدانید) که این راه راست من است از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی ننمائید که شما را از صراط مستقیم او جدا می‌کند. خدا شما را به اینها توصیه می‌نماید باشد که پرهیزکار شوید. (۱۵۰ - ۱۵۳)

سپس به موسی کتاب کامل دادیم برای تکمیل نفس هر کسی که نیکوکار باشد. و نیز برای تفصیل و بیان حکم هر چیز، و برای هدایت و رحمت بر خلق، باشد که آنان به لقاء پروردگارشان ایمان آورند. (۱۵۴)

و این کتابی است که با مبارکی آن را فرو فرستادیم. پس از آن پیروی کنید و پرهیزکاری نمائید باشد که مورد رحمت قرار گیرید. تا نگوئید که قبل از ما بر دو طایفه (یهود و نصارا) کتاب فرستاده شد و (چون به زبان ما نبود) از خواندن آن غافل ماندیم! یا نگوئید اگر برای ما کتاب نازل می‌شد البته از آنها راه‌یافته‌تر می‌شدیم! و لذا برای شما هم از جانب پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت (قرآن) آمد. پس چه کسی ظالم‌تر از آن کس باشد که آیات خدا را تکذیب کند و از آن روی برتابد؟! زود باشد کسانی را که از آیات ما روی برتابند به سبب روی برتافتنشان با عذاب ابدی کیفر دهیم. (۱۵۵ - ۱۵۷)

آیا آنها جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد آنها بیایند؟ یا پروردگار تو بیاید؟ یا برخی آیات و معجزات الهی بیاید؟ روزی که بعضی از آیات الهی بیاید ایمان آوردن کسی که از پیش ایمان نیاورده، با ایمان خویش کار نیکی کسب نکرده، سودی ندارد! بگو منتظر باشید که ما هم منتظرانیم! (۱۵۸)

کسانی که دین خود را پراکنده کرده گروه گروه شدند چشم از آنها ببوش. همانا کار

آنها با خدا است و او آنان را بدان چه کردند خیر خواهد داد. (۱۵۹)

هر کس کار نیکو انجام دهد برابری مثل آن بدو رسد و هر که کار بد کند جز به مانند آن چه کرده کیفر نیابد و بر آنها ستم نشود! (۱۶۰)

بگو که پروردگار من محققاً مرا به راه راست هدایت کرده. به دینی استوار. به آئین ابراهیم بکتایرست. و او از مشرکان نبود. بگو همانا نماز من، عبادت من، حیات و ممات من همگی برای خداوند پروردگار جهانیان است. بر او شریکی نیست. مرا بدین امر فرموده‌اند و من نخستین مسلمانم. بگو آیا به جز خدا پروردگاری برای خود بجوئیم؟ در حالی که او پروردگار (همه کس) و همه چیز است. و هیچکس جز برای خوبستن چیزی کسب ننماید. و هیچ باربری بار گناه دیگری را بر دوش نگیرد. پس از آن بازگشت شما به سود پروردگارتان است و او شما را بدان چه اختلاف می‌کردید باخبر گرداند. (۱۶۱ - ۱۶۴)

و او خدائی است که شما را جانشین گذشتگان زمین قرار داد و بعضی از شما را از حیث مقام و رتبت بر بعضی دیگر برتری بخشید تا شما را در آن چه داده است بیازماید. همانا که پروردگار تو سخت زودکیفر است و بی‌گمان او آمرزگار مهربان می‌باشد. (۱۶۵)